

## تأثیر جهانی شدن بر شاخص فقر انسانی (HPI)

صمد حکمتی فرید\*

استادیار اقتصاد دانشگاه ارومیه، [s.hekmati@urmia.ac.ir](mailto:s.hekmati@urmia.ac.ir)

خلیل جهانگیری

استادیار اقتصاد دانشگاه ارومیه، [kh.jahangiri@urmia.ac.ir](mailto:kh.jahangiri@urmia.ac.ir)

امید مرادخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه ارومیه، [o.moradkhani@gmail.com](mailto:o.moradkhani@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۴

### چکیده

یکی از موارد بحث برانگیز در ادبیات جهانی شدن، نحوه اثرگذاری آن بر فقر است. برخی بر این باورند که بین جهانی شدن و کاهش فقر رابطه مثبت وجود دارد و برخی نیز بر رابطه منفی بین این دو تأکید دارند. با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه با بهره‌گیری از روش داده‌های تابلویی پویا و مدل گشتاور تعمیم یافته (GMM) به بررسی اثر جهانی شدن بر شاخص فقر انسانی کشورهای دارای توسعه انسانی بالا (شامل ایران) طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۲ پرداخته است. در این بررسی از داده‌های بانک اطلاعات آزادسازی اقتصادی هریتیج (شامل آزادسازی تجاری و رعایت حقوق مالکیت)، شاخص‌های حکمرانی خوب (شامل اثربخشی دولت و کنترل فساد)، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، نسبت جمعیت روستایی و تورم به عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر منفی و معنادار متغیرهای آزادسازی تجاری، رعایت حقوق مالکیت، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، اثربخشی دولت، کنترل فساد و همچنین اثر مثبت نسبت جمعیت روستایی و تورم بر شاخص فقر انسانی است.

**واژه‌های کلیدی:** جهانی شدن، HPI، فقر انسانی، GMM، آزادسازی تجاری

**طبقه‌بندی JEL:** O24, I38, F13

\* نویسنده مسئول مکاتبات

## ۱- مقدمه

جهانی شدن از مهمترین موضوعات در عصر حاضر است، که ذهن بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران، اقتصادی را به خود مشغول ساخته است. چند بعدی بودن این پدیده و پیچیدگی خاص آن، باعث شده تا ارائه تعریف دقیق و روشنی از آن با دشواری همراه باشد. بنابراین، در تعریف دقیق جهانی شدن هیچ‌گونه وحدت نظری بین دانشمندان وجود ندارد؛ زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و همچنان دستخوش تحول و دگرگونی است و هر روز وجهی تازه از ابعاد گوناگون آن نمایان می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۸۵).

بر اساس یک تعریف، جهانی شدن عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است. همچنین، فرآیندی که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در هر بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد (هانس پیتر و شومن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۱). جهانی شدن اقتصاد بر تحرک فزاینده نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی، گسترش تجارت بین‌المللی به معنای به هم پیوستگی روزافزون بازارها و گسترش ارتباطات تأکید دارد. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی می‌شود (نوازیش<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

یکی از موارد بحث برانگیز در ادبیات جهانی شدن، اثر آن بر شرایط زندگی گروه‌های درآمدی و یا به طور روشن‌تر، بر فقر و توزیع درآمد میان گروه‌های درآمدی است. برخی بر این باورند که بین آزادسازی تجاری و کاهش فقر رابطه مثبت وجود دارد (موجری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). از طرف دیگر گریناوی و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه خود به ارتباط منفی بین آزادسازی تجاری و فقر دست یافته‌اند. این اختلاف در نتایج علاوه بر استفاده از متغیرهای مختلف برای آزادسازی تجاری، به سبب استفاده از متدلوژی‌های مختلف نیز بوده است.

<sup>1</sup> Hans Peter & Showman

<sup>2</sup> Navazish

<sup>3</sup> Mujeri

<sup>4</sup> Greenaway et al

با این حال بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که در دراز مدت اقتصادهای باز بهتر از اقتصادهای بسته عمل می‌کنند اما همچنان بیم آن می‌رود که در کوتاه مدت آزادسازی تجاری به گروه‌های فقیر در اقتصاد بیشتر صدمه وارد کند و حتی در بلند مدت با وجود موفقیت رژیم‌های باز، ممکن است بعضی از مردم فقیر باقی بمانند (آلن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). یکی دیگر از مباحث مهم مطرح شده در خصوص اثر آزادسازی تجاری بر فقر، شاخصی است که برای شناسایی فقر به کار می‌رود با توجه به اینکه تاکنون در مطالعات داخلی به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر شاخص فقر انسانی (HPI)<sup>۲</sup> پرداخته نشده است، لذا در این مطالعه به بررسی این اثر در بین کشورهای با توسعه انسانی بالا (که سطح توسعه انسانی مشابه با ایران دارند) طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته می‌شود. در این مقاله پس از بیان مبانی نظری مربوطه و ارائه دیدگاه‌های مختلف در رابطه با جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر، پیشینه مطالعات صورت گرفته در این زمینه بیان می‌گردد و در ادامه پس از بیان روش شناسی پژوهش، یافته‌های تجربی مقاله شامل بررسی ایستایی متغیرها، نتایج تخمین مدل و آزمون‌های تشخیص مدل در داده‌های تابلویی پویا ذکر می‌شوند. در انتها نیز نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی بیان می‌شود.

## ۲- مبانی نظری

اگر چه پدیده فقر دارای ابعاد مختلفی است، اما در بیشتر مطالعات تنها جنبه مصرفی یا درآمدی آن در نظر گرفته می‌شود، زیرا سایر جنبه‌های فقر به طور مستقیم با این دو مورد در ارتباط هستند. به عبارتی دیگر، فقر اغلب به عنوان کمبود درآمد یا مصرف در برآورده ساختن نیازهای اساسی تعریف می‌کنند (مک کالوچ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). براساس تعریف بانک جهانی، فقرا کسانی هستند که از منابع اقتصادی کافی برای تأمین نیازهای اساسی برخوردار نیستند (بانک جهانی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). با توجه به این تعریف، بانک جهانی افرادی با درآمد کمتر از یک دلار در روز را به عنوان افراد فقیر در نظر می‌گیرد. یکی از شاخص‌های مهم برای اندازه‌گیری فقر، شاخص فقر انسانی (HPI) است که توسط بانک جهانی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. شاخص فقر انسانی محرومیت زندگی را از سه

<sup>1</sup> Winters et al

<sup>2</sup> Human Poverty Index

<sup>3</sup> Mcculloch

<sup>4</sup> World bank

بعد طول عمر، دانش و سطح زندگی منعکس می‌کند. فرمول محاسبه این شاخص به شکل زیر است (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱):

$$HPI = \left[ \frac{1}{3} (p_1^\alpha + p_2^\alpha + p_3^\alpha) \right]^{\frac{1}{\alpha}} \quad (1)$$

که در این رابطه:

$p_1$ : محرومیت از بعد طول عمر بر حسب درصد افرادی که انتظار می‌رود قبل از ۴۰ سالگی بمیرند،

$p_2$ : محرومیت در دانش بر حسب درصد افراد بالغ بی‌سواد،

$p_3$ : محرومیت در سطح زندگی که از ترکیب سه متغیر درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند، درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند و کودکان پنج ساله‌ای که دچار کم‌وزنی هستند، به دست می‌آید.

با توجه به وجود سه عامل  $p_1$ ،  $p_2$  و  $p_3$  در HPI برای متوسط‌گیری ابتدا هر عامل به توان ۳ رسیده و ریشه سوم از مجموع آنها گرفته شده و سپس بر سه تقسیم می‌شوند. بنابراین در رابطه یک  $\alpha=3$  می‌باشد. بدیهی است که مقدار بیشتر این شاخص نشان‌دهنده فقر انسانی بالاتر می‌باشد. آمار این شاخص تا سال ۲۰۱۰ توسط بانک جهانی ارائه گردیده است. با توجه به عدم انتشار این شاخص پس از سال ۲۰۱۰، در این مقاله آمار HPI در طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ بر اساس فرمول فوق محاسبه گردیده است.

بر اساس ادبیات موضوع، عوامل متعددی بر شاخص فقر انسانی مؤثر می‌باشند. در این بخش به برخی از مهمترین این عوامل که مورد تأکید بسیاری از مطالعات بوده، اشاره می‌شود.

## ۲-۱- جهانی شدن و فقر

تحولات مربوط به جهانی شدن بیشتر در حوزه اقتصاد انجام شده است. شدت بخشیدن به وابستگی متقابل بین اقتصادهای ملی، یکپارچه شدن بازارهای مالی، گسترش مبادلات تجاری به همراه مقررات‌زدایی و از میان برداشتن تعرفه‌ها و ضوابط حمایتی بازرگانی و ایجاد نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی با هدف گسترش و تسریع تجارت بین‌المللی از جمله نمودهای جهانی شدن اقتصاد می‌باشد (حسن زاده و فوز مسلمیان، ۱۳۸۶). موردی که امروزه اقتصاد جهان شاهد وقوع آن است این است که اقتصادهای کشورها با

سرعت به سمت جهانی شدن در حرکت هستند و آثار آن را می‌توان در افزایش آزادسازی تجاری، بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشاهده کرد.

در خصوص اثرات جهانی شدن بر فقر رویکردهای متفاوتی وجود دارد. اندیشمندان رویکرد اول اعتقاد دارند که کشورهای صنعتی با تسلط بر دنیای تجارت، اطلاعات و ارتباطات و تکنولوژی‌های پیشرفته موجب شده‌اند تا جهانی شدن به زمینه‌ای برای افزایش تسلط بیشتر بر کشورهای در حال توسعه تبدیل شود. در این رویکرد جهانی شدن نه تنها فقر را کاهش نمی‌دهد بلکه حتی ممکن است آنرا افزایش نیز بدهد. در این خصوص استیگلیتز (۱۳۸۳) معتقد است که جهانی شدن می‌تواند منافع گروه‌های فقیر را به خطر اندازد. وی می‌گوید جهانی شدن بعید است که بتواند برای کشورهای در حال توسعه توان یاری و کمک را داشته باشد بنابراین اصلاحات مورد نظر در این حوزه باید به گونه‌ای طراحی گردند که برای جمعیت فقیر دنیا مفید واقع شود (ساعی، ۱۳۸۷).

در مقابل اندیشمندان رویکرد دوم اعتقاد دارند که جهانی شدن و آزادسازی تجاری زمینه انتقال فناوری و منابع مالی را به کشورهای در حال توسعه فراهم نموده و شرکت‌های چند ملیتی با سرمایه‌گذاری در این کشورها موجبات کاهش هزینه تولید، افزایش اشتغال و دسترسی به بازارهای بزرگتر صادراتی را فراهم می‌سازند و از این طریق موجب افزایش رفاه و کاهش فقر را فراهم می‌سازند. در این خصوص ساترلند<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) اعتقاد دارد در کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی به نحو احسن جذب شده و آزادسازی تجاری در سطح بالایی اتفاق افتاده، سطح دستمزدها تا حد قابل ملاحظه‌ای بالا رفته و استانداردهای محلی در زمینه‌های مدیریت تکنولوژی و حفظ محیط زیست ارتقاء یافته است.

## ۲-۲- حکمرانی خوب و فقر

اثرگذاری حکمرانی خوب بر کاهش فقر می‌تواند در قالب ترویج جامعیت، ترویج قانونی بودن و ترویج پاسخ‌گویی توضیح داده شود.

- ترویج جامعیت: محروم‌سازی‌های اجتماعی که مشارکت شهروندان را در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محدود می‌کند، متناقض با مفهوم «دولت خوب» بوده و از لحاظ نظری نیز جایگاهی در کشورهای دموکراتیک

<sup>1</sup> Stiglitz

<sup>2</sup> Peter Saterland

ندارد. ترویج جامعیت می‌تواند جبران خسارتی برای توانمندسازی گروه‌هایی که در طول تاریخ در حاشیه (گروه‌هایی که در مرحله دوم اولویت و اهمیت) قرار گرفته‌اند، باشد. از این رو جامعیت تا حد زیادی مرتبط با موضوع توانمندسازی و عدم تمرکز است.

- ترویج قانونی بودن: قانونی بودن و مشروعیت در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی همچون عدالت، تبهکاری، رفع تعارض، خشونت اجتماعی، صلح و امنیت و حقوق بشر قرار دارد. فساد دشمن عدالت، ثروت و اعتماد است. آندرسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) تعدادی از مکانیزم‌هایی که از طریق آن‌ها بی‌قانونی و فقر با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند را مطرح کرد از جمله این که، فقرا بیشتر در معرض آسیب‌پذیری از رفتار مستبدانه، ارباب و تحقیر مقامات اجتماعی قرار می‌گیرند. همچنین افراد فقیر دارای ریسک بیشتری برای اتلاف استعدادهاشان در مسیر سرقت‌های شخصی و عمومی می‌باشند. الگوی اقتصادی که توسط اکرم<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) و کراگر<sup>۳</sup> (۱۹۷۴) ارائه شده است، بیان می‌کند که فساد اداری می‌تواند از طریق عوامل و متغیرهای اقتصادی، میزان فقر را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر، افزایش فساد اداری منجر به کاهش میزان سرمایه‌گذاری شده و با افزایش ناکارایی اقتصادی به کاهش رقابت کمک می‌کند. بنابراین با کاهش رقابت و افزایش هزینه‌های تجارت، میزان نابرابری درآمد و فقر در اقتصاد افزایش پیدا می‌کند (متفکرآزاد و فشاری، ۱۳۹۱).

- ترویج پاسخ‌گویی: پاسخ‌گویی بدین معنی است که دولت در مقابل اعمال خود پاسخگو بوده و بتواند آنها را ضمانت اجرایی نماید. ارتباط مستقیم بین گروه‌هایی که از نظر اولویت در مرحله دوم قرار گرفته‌اند و مسئولان دولتی که از قدرت پاسخ‌گویی بیشتری برخوردارند، به عنوان اولین قدم در توسعه سیاست‌های ضد فساد فقرگرا تلقی می‌گردد. از یک جهت، مبارزه و نبرد بر علیه فقر به این معنی است که موانع و گرفتاری‌هایی که بر سر راه اشتغال شهروندان و

<sup>1</sup> Anderson

<sup>2</sup> Ackerman

<sup>3</sup> Krueger

پاسخ‌گویی حکومت وجود دارد، از میان برداشته شود. درحالی که اکثر کشورهای در حال توسعه ادعای برابری مشارکت و تساوی حقوق شهروندان را دارند، اما به ندرت در عمل افراد فقیر را به کار می‌گیرند (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱).

### ۲-۳- تورم و فقر

از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان فقر، بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصادی است که به طور معمول توسط شاخص‌های مختلف نظیر نرخ تورم اندازه‌گیری می‌شوند. تغییرات قیمت می‌تواند از دو جهت شاخص‌های فقر را متأثر کند. اول از طریق اثرات درآمدی، یعنی تغییر در درآمد حقیقی خانوارها که در قالب کاهش دستمزد حقیقی و کاهش ارزش داراییها منعکس می‌شود. و دوم تغییر در قیمت‌های نسبی که از آن به تغییرات توزیعی تعبیر می‌شود (پروین، ۱۳۸۹). تورم در کشورهایی که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد و تغییرات عمده حجم نقدینگی توسط دولت صورت می‌پذیرد، نوعی پس‌انداز اجباری تلقی می‌شود، که به تملک دولت در می‌آید. در اصطلاح به این پس‌انداز مالیات تورمی اطلاق می‌شود. در واقع دولت با افزایش حجم نقدینگی و ایجاد تورم، از مردم نوعی مالیات به صورت افزایش قیمت می‌گیرد و نوعی جریان انتقال ثروت از سوی کسانی که درآمدهای ثابت دارند به سوی کسانی که افزایش حجم نقدینگی به آنها تعلق می‌گیرد ایجاد می‌گردد و باعث تشدید معضلات اقتصادی و گسترش شکاف فقر در جامعه می‌گردد (مروج خراسانی، ۱۳۹۴).

### ۲-۴- توزیع جغرافیایی جمعیت و فقر

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر میزان فقر، متغیر نسبت جمعیت روستایی از کل جمعیت است. طبق نتایج رابطه مثبت و معناداری بین میزان جمعیت روستایی و شاخص فقر انسانی وجود دارد. نحوه تأثیرگذاری این متغیر بر شاخص‌های فقر بدین صورت است که با افزایش جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری به دلیل کمبود زیرساخت‌ها و امور زیربنایی در مناطق روستایی، رشد اقتصادی کاهش یافته و میزان فقر و نابرابری درآمد افزایش می‌یابد (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱).

### ۲-۵- تولید ناخالص داخلی و فقر

تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی نیز ارتباط منفی با فقر دارد و با افزایش آن انتظار بر این است که شاخص فقر انسانی کاهش یابد. افزایش این شاخص باعث بالا رفتن سطح

زندگی مردم شده و موجب کاهش فقر می‌گردد (حسن‌زاده، و فوزمسلمیان، ۱۳۸۶). نکته قابل توجه این است که کشور ایران با جمعیتی نزدیک ۸۰ میلیون نفر حدود ۱ درصد جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده است، در حالی که از نظر سهم تولید جهانی حدود ۰/۴۹ درصد تولید جهانی را دارا است<sup>۱</sup>. بنابراین حداقل برای رسیدن به سهم یک درصدی از میزان تولید در دنیا، نیاز به سرمایه‌گذاری بالایی احساس می‌شود. این مورد نیز دقیقاً بر کاهش فقر مؤثر است. بنابراین توجه به بخش عرضه اقتصاد بسیار با اهمیت است.

### ۳- پیشینه مطالعات

در سمپوزیم جهانی شدن اقتصاد، آزادسازی و جهانی شدن اقتصاد معادل رشد تجارت، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعریف شده است (آرندت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). از این رو در میان اغلب کشورهای در حال توسعه، حرکت در جهت جهانی شدن مترادف با کاهش و حذف موانع تجاری همچون کاهش تعرفه واردات، حذف یارانه‌ها، آزادسازی تجاری و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. برخی از تحقیقات انجام شده در رابطه با تأثیر جهانی شدن بر روی فقر عبارت‌اند از:

دکالوئه و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) با استفاده از مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر، اثرات کاهش قیمت صادراتی و تعرفه وارداتی را بر روی فقر تجزیه و تحلیل کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که کاهش در تعرفه‌های وارداتی به نفع گروه‌های فقیر است. سشمانی<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) اثرات آزادسازی بازار مواد غذایی و چالش‌های متعاقب آن را بر روی فقر و امنیت غذایی در کشور موزامبیا مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد تا هنگامی که کشاورزان خرده‌پا با وضعیت موجود به تولید بپردازند و ماده غذایی عمده مورد مصرف نیز ذرت باشد نمی‌توان به تامین امنیت غذایی و کاهش فقر پس از آزادسازی امیدوار بود.

<sup>1</sup> World Development Indicators (2015)

<sup>2</sup> Arndt

<sup>3</sup> Decaluwe et al

<sup>4</sup> Seshamani



روسنزویگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) با استفاده از شواهد آماری و داده‌های تابلویی در کشور هندوستان به بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد بر روی فقر پرداخت. نتایج وی نشان می‌دهد که در میان مناطق شهری و روستایی در هند باز شدن اقتصاد درآمدها را افزایش داده است، همچنین باعث ایجاد تغییرات در انگیزه کسب مهارت در میان فقرا و در نتیجه کاهش فقر در بلند مدت شده است.

بهاسین<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مقاله خود نشان می‌دهد که در کشور غنا حذف موانع و تعرفه‌های وارداتی یا صادراتی در صورتی که با افزایش در دریافت‌های خارجی همراه باشد، توزیع درآمد خانوارها را بهبود می‌بخشد اما حذف موانع صادراتی و وارداتی همراه با کاهش در دریافت‌های خارجی توزیع درآمد را بدتر می‌نماید.

سالواتوره<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با ارائه آمارهایی از تولید ناخالص داخلی سرانه و تعداد افراد زیر خط فقر از کشورهای مختلف در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که جهانی شدن، نابرابری و فقر جهانی را کاهش داده است و کشورهایی که به سمت جهانی شدن پیش نرفته‌اند با افزایش فقر مواجه شده‌اند.

برگ و نیلسون<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) با استفاده از روش داده‌های تابلویی و به کارگیری داده‌های ۱۱۴ کشور بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۷ به بررسی رابطه بین فقر و جهانی شدن پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که یک همبستگی معنادار منفی بین جهانی شدن و فقر وجود دارد. از میان مطالعات داخلی، شوشتریان (۱۳۸۲) با استفاده از یک مدل تعادل جزئی برای بازار گندم (شامل توابع تقاضا، عرضه و واردات گندم)، و بکارگیری روش ARDL<sup>۵</sup>، نشان داد که با وقوع آزادسازی، میزان فقر در جامعه افزایش و رفاه اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت که کاهش رفاه اجتماعی و افزایش فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری شدت بیشتری خواهد داشت. موسوی و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهند که افزایش همگرایی اقتصادی ایران به سوی اقتصاد جهانی علی‌رغم کاهش شکاف فقر در میان خانوارهای شهری بر خانوارهای روستایی اثر نامطلوب دارد. نتایج چارچوب خرد نشان داد جهانی شدن در بازار گندم بر شرایط گروه‌های فقیر تأثیر بسیار ناچیزی داشته است. گرجی و برهانی‌پور (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با استفاده از روش هم‌جمعی جوهانسون

<sup>1</sup> Rosenzweig

<sup>2</sup> Bhasin

<sup>3</sup> Salvatore

<sup>4</sup> Berg & Nilson

<sup>5</sup> Auto Regressive Distributed Lag

جوسیلیوس و به کارگیری شاخص شدت تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) به عنوان معیاری برای جهانی شدن، نشان می‌دهند که جهانی شدن باعث افزایش نابرابری شده است. اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با استفاده از الگوی ARDL نشان می‌دهد که در بلندمدت بازبودن اقتصاد، از طریق اثر بر توزیع درآمد به طور مستقیم موجب افزایش درآمد متوسط فقرا شده است. باز بودن اقتصاد از دو طریق مستقیم (اثر بر توزیع درآمد) و غیرمستقیم (اثر بر رشد اقتصادی) می‌تواند موجب کاهش فقر شود. بررسی مطالعات نشان می‌دهد تاکنون در سطح کشور مطالعه‌ای در خصوص اثرات آزادسازی تجاری بر شاخص فقر انسانی صورت نپذیرفته است که در این پژوهش به این موضوع پرداخته می‌شود.

#### ۴- روش شناسی پژوهش

نمونه آماری پژوهش بر مبنای داشتن توسعه انسانی مشابه با ایران از بین کشورهای دارای توسعه انسانی بالا انتخاب گردیده است. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ ایران جزو ۶۰ کشور دارای توسعه انسانی بالا می‌باشد. با توجه به وجود داده‌های آماری، ۴۳ کشور شامل کشورهای آلبانی، الجزایر، ارمنستان، آذربایجان، باربادوس، بلاروس، بلیز، بوسنی هرزگوین، برزیل، چین، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، فیجی، ایران، سورینام، جامائیکا، اردن، قزاقستان، لبنان، لیبی، مالزی، مکزیک، مونتنگرو، عمان، پاناما، پرو، رومانی، سائنت لوسیا<sup>۱</sup>، روسیه، صربستان، سریلانکا، تایلند، مقدونیه، ترینیداد و توباگو، تونس، ترکیه، مائوریتوس<sup>۲</sup>، اوکراین، اروگوئه، ونزوئلا، جمهوری دومینیکن و گرجستان از بین ۶۰ کشور دارای توسعه بالا به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند.

در این پژوهش با استفاده از داده‌های ۴۳ کشور فوق‌الذکر در بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به بررسی اثر متغیرهای شاخص آزادسازی تجاری، رعایت حقوق مالکیت، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، اثربخشی دولت، کنترل فساد، نسبت جمعیت روستایی و تورم بر شاخص فقر انسانی (HPI) پرداخته می‌شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌های تابلویی پویا و روش گشتاورهای تعمیم یافته<sup>۳</sup> (GMM) است. گشتاور تعمیم یافته یکی

<sup>1</sup> Saint Lucia

<sup>2</sup> Mauritius

<sup>3</sup> Generalized Method of Moments

از روش‌های برآورد پارامترهای مدل در رهیافت داده‌های تابلویی پویا بوده که برای داده‌های سری زمانی، مقطعی و داده‌های تابلویی قابل استفاده می‌باشد. این روش اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. اگر متغیر وابسته با مقادیر با وقفه وارد مدل شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی (رگرسورها) و جملات اخلاص همبستگی به وجود آید و در نتیجه، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی نتایج تورش دار و ناسازگاری نشان خواهد داد. روش گشتاور تعمیم یافته می‌تواند با به کارگیری متغیرهای ابزاری این ایراد را برطرف کند. لازم به ذکر است هنگامی که در مدل داده‌های تلفیقی، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود دیگر برآوردگرهای OLS سازگار نیست (بالتاجی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵) و باید به روش‌های برآورد دو مرحله‌ای 2Sls یا گشتاورهای تعمیم یافته GMM آرلانو و باند<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) متوسل شد. به گفته ماتیاس و سوستر<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، برآورد 2Sls ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس-های بزرگ برای ضرایب بدست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشد. بنابر این روش GMM توسط آرلانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. این تخمین زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد (آرلانو و باند، ۱۹۹۱). همان گونه که قبلاً ذکر شد آزادسازی تجاری، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رفع موانع تعرفه‌ای همگی بخشی از محورهای جهانی شدن اقتصاد است که در این مطالعه آزادسازی تجاری به عنوان نماینده جهانی شدن اقتصاد در نظر گرفته شده است. برای استخراج شاخص جهانی شدن می‌توان از شاخص‌های آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج<sup>۴</sup> و شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر<sup>۵</sup> استفاده کرد. برای استخراج شاخص‌های حکمرانی خوب نیز می‌توان از شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی، شاخص‌های سهولت کسب و کار<sup>۶</sup> و شاخص راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها (ICRG)<sup>۷</sup> استفاده کرد. این شاخص‌ها با توجه به شمار کشورهای تحت پوشش، دوره زمانی، دقت متدلوژی به کار رفته، صحت اندازه‌گیری و شفافیت و تکرار شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت دارند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش داده‌های دو متغیر آزادسازی تجاری و رعایت حقوق

<sup>1</sup> Baltagi

<sup>2</sup> Arellano & Bond

<sup>3</sup> Matyas & Sevestre

<sup>4</sup> Heritage Dataset

<sup>5</sup> freezer

<sup>6</sup> Doing Business

<sup>7</sup> International Country Risk Guide

مالکیت از بین شاخص‌های آزادی اقتصاد بنیاد هریتیج و داده‌های دو متغیر اثربخشی دولت و کنترل فساد از بین شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی استخراج شده‌اند. همچنین داده‌های متغیرهای دیگری همچون تورم، نسبت جمعیت روستانشین و تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی از بانک اطلاعات شاخص‌های توسعه جهانی<sup>۱</sup> WDI به دست آمده است.

مدل مورد استفاده در این پژوهش به صورت زیر تصریح شده است.

$$LHPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 Lrur_{it} + \beta_2 Lgdpp_{it} + \beta_3 Linf_{it} + \beta_4 Lcor_{it} + \beta_5 Lgov_{it} + \beta_6 Lprop_{it} + \beta_7 Ltrad_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۲)

که در آن:

$LHPI_{it}$ : لگاریتم شاخص فقر انسانی

$Lrur_{it}$ : لگاریتم شاخص نسبت جمعیت روستایی

$Lgdpp_{it}$ : لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی

$Linf_{it}$ : لگاریتم شاخص تورم مصرف کننده

$Lcor_{it}$ : لگاریتم شاخص رتبه کنترل فساد

$Lgov_{it}$ : لگاریتم شاخص رتبه اثربخشی دولت

$Lprop_{it}$ : لگاریتم شاخص رعایت حقوق مالکیت

$Ltrad_{it}$ : لگاریتم شاخص آزادسازی تجاری

$i$  نشان دهنده کشور و  $t$  معرف سال است.

##### ۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش به تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. ابتدا مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به تخمین داده‌های تابلویی پرداخته شده و در نهایت آزمونهای سارگان و خودهمبستگی برای بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری و سازگاری مدل صورت می‌گیرد.

##### ۵-۱- آزمون مانایی

<sup>1</sup> World Development Indicators

به منظور دستیابی به یک تخمین غیرکاذب بین متغیرهای الگو، بایستی متغیرهای حاضر در رگرسیون ایستا (مانا) بوده یا ترکیب آنها ایستا باشد، در صورتی که داده‌های مورد استفاده در یک پژوهش غیر ایستا باشند نتایج حاصل از تخمین‌ها کاذب خواهد بود. به عبارت دیگر، یکی از شرط‌های لازم جهت قابل اعتماد بودن نتایج تخمین‌ها شرط ایستایی آنها است. به این دلیل، در این قسمت، ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین، لین چو<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در جدول شماره ۱ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد کلیه ضرایب با عرض از مبدأ و روند در سطح زیر ۵ درصد مانا می‌باشند.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی با استفاده از آماره لوین، لین چو\*

متغیر	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند
LHPI <sub>it-1</sub>	۰/۰۵۱ (۰/۰۰۰)	-۴/۱۲۹ (۰/۰۰۰)
Ltrad <sub>it</sub>	-۹/۵۳۷ (۰/۰۰۰)	-۲۴/۵۹۱ (۰/۰۰۰)
Lrur <sub>it</sub>	۲۰/۹۵۳۸ (۱/۰۰۰۰)	-۵/۸۰۵ (۰/۰۰۰)
Lgdpp <sub>it</sub>	-۴/۹۶۲ (۰/۰۰۰)	-۴/۰۲۹ (۰/۰۰۰)
Lgov <sub>it</sub>	-۸/۷۶۶ (۰/۰۰۰)	-۱۲/۷۴۱ (۰/۰۰۰)
Lprop <sub>it</sub>	-۱/۷۱۵ (۰/۰۴۳۱)	-۱۲/۹۲۸ (۰/۰۰۰)
Lcor <sub>it</sub>	-۳/۱۷۴ (۰/۰۰۰۸)	-۵/۸۵۷ (۰/۰۰۰)
Linf <sub>it</sub>	-۹/۹۶۱ (۰/۰۰۰)	-۱۴/۴۲۲ (۰/۰۰۰)

\* اعداد داخل پرانتز نشان دهنده ارزش احتمال می‌باشد  
منبع: محاسبات تحقیق

## ۵-۲- نتایج تخمین مدل

<sup>1</sup> Levin, Lin & Chu

در این قسمت، به تخمین مدل مطالعه بر اساس تکنیک داده‌های تابلویی پویا پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول شماره (۲) قابل مشاهده می‌باشد. نتایج مدل حاکی از آنست که وقفه اول شاخص فقر انسانی دارای تأثیر معنادار و مثبتی بر روی متغیر وابسته می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیرپذیری مثبت فقر انسانی از مقادیر گذشته خود می‌باشد. بررسی مدل نشان می‌دهد که تمامی متغیرها در سطح یک درصد معنادار هستند.

جدول (۲): نتایج تخمین مدل داده‌های تابلویی پویا (متغیر وابسته  $LHPI_{it}$ )

نام متغیر	ضرایب	آماره Z
$LHPI_{it-1}$	۰/۷۰۵*	۱۰/۴۸
$Lrur_{it}$	۰/۳۳۷*	۵/۲۳
$Lgdpp_{it}$	-۰/۱۱۴*	-۵/۱۵
$Linf_{it}$	۰/۰۲۸*	۲۱/۵۳
$Lcor_{it}$	-۰/۱۰۳*	-۱۵/۶۲
$Lgov_{it}$	-۰/۱۵۷*	-۹/۶۰
$Lprop_{it}$	-۰/۰۶۰*	-۳/۵۵
$Ltrad_{it}$	-۰/۰۷۵*	-۷/۲۰

\* معنادار در سطح یک درصد

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج مدل نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار نسبت جمعیت روستانشین بر شاخص فقر انسانی است و با افزایش یک درصدی سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت میزان شاخص فقر انسانی ۰/۳۳۷ درصد افزایش می‌یابد. دیگر متغیر مهم بکارگرفته شده در این مدل، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی است که با افزایش یک درصدی این شاخص میزان شاخص فقر انسانی معادل ۰/۱۱۴ درصد کاهش می‌یابد که نشانگر اهمیت نقش تولید سرانه در کاهش فقر انسانی می‌باشد.

از سایر متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان فقر، بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصادی است که در این مطالعه توسط نرخ تورم اندازه‌گیری می‌شود. همانطور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود نرخ تورم تأثیر معنادار و مثبتی بر روی شاخص فقر انسانی دارد و افزایش یک درصدی نرخ تورم موجب افزایش ۰/۰۲۸ درصدی شاخص فقر انسانی می‌شود. تورم

به دلیل تأثیر بر قدرت خرید افراد به ویژه افرادی با درآمدهای ثابت و یا شاغل در بخشهای غیر رسمی که اکثراً فقیر هستند، تأثیر قابل توجهی بر فقر دارد. استرلی و فیشر<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) عقیده دارند که تورم یک مالیات بی‌رحمانه از فقر است، زیرا فقرا به دلیل محدودیت‌های درآمدی توانایی مقابله با شرایط تورمی را ندارند، در حالی که ثروتمندان به دلیل دسترسی به منابع مالی می‌توانند با این شرایط مقابله کنند و یا حتی از آن سود ببرند. آنها عقیده دارند که تورم به فقرا آسیب بیشتری نسبت به ثروتمندان می‌رساند (استرلی و فیشر، ۲۰۰۰).

نتایج مدل بیانگر آن است که بهبود نهادهای حاکمیتی و حکمرانی خوب دولت موجب کاهش فقر انسانی می‌شود به طوری که با افزایش یک درصدی متغیرهای کنترل فساد و اثربخشی دولت به ترتیب شاخص فقر انسانی معادل ۰/۱۰۳ و ۰/۱۵۷ درصد کاهش یافته است. همچنین متغیرهای رعایت حقوق مالکیت و آزادسازی تجاری نیز هر دو موجب کاهش فقر انسانی گردیده‌اند و با افزایش یک درصدی این شاخص‌ها میزان شاخص فقر انسانی به ترتیب ۰/۰۶۰ و ۰/۰۷۵ درصد کاهش یافته است که نشان می‌دهد افزایش آزادی اقتصادی چه در بعد جهانی شدن و چه در بعد رعایت حقوق مالکیت میزان فقر انسانی را کاهش داده است.

برای بررسی امکان استفاده از تخمین داده‌های تابلویی پویا لازم است مشخص بودن معادله، مورد بررسی قرار گیرد. پس از تخمین مدل، برای آزمون مشخص بودن معادله از آماره آزمون سارگان<sup>۲</sup> که مبتنی بر آزمون  $L$  می‌باشد استفاده می‌شود. نتایج آزمون سارگان در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون سارگان مدل داده‌های تابلویی پویا

مقادیر	شرح
۲۹/۱۱۸	مقدار آماره $\chi^2$
۳۳	درجه آزادی
۰/۶۶۰	ارزش احتمال

منبع: محاسبات تحقیق

<sup>۱</sup> Esterly & Fisher

<sup>۲</sup> Sargan Test

با توجه به نتایج جدول، ملاحظه می‌شود فرضیه صفر مبنی بر مشخص بودن معادله رد نمی‌شود. بنابراین استفاده از متغیرهای ابزاری برای کنترل همبستگی بین متغیرهای توضیحی و جملات اختلال در مدل ضروری می‌باشد. با توجه به اینکه در استفاده از روش تفاضل‌گیری مرتبه اول، جملات اختلال از فرایند خودرگرسیون مرتبه اول پیروی می‌کنند، لذا برای اینکه روش آرلانو و باند منجر به تخمین زنده‌های سازگار مدل شود لازم است مرتبه خودرگرسیونی جملات اختلال مورد آزمون قرارگیرد. لازم به ذکر است که روش آرلانو و باند در صورتی به تخمین زنده‌های سازگار می‌انجامد که مرتبه خودرگرسیونی جمله اختلال از مرتبه ۲ نباشد. زیرا بر اساس روش تفاضل مرتبه اول، جملات اختلال از فرایند مرتبه اول تبعیت می‌کنند. همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودرگرسیونی مرتبه دوم بین جملات اختلال را رد نمود. بنابراین تخمین زنده‌ها دارای ویژگی سازگاری می‌باشند.

جدول (۴): نتایج آزمون خودرگرسیونی مرتبه اول و دوم مدل داده‌های تابلویی پویا

آماره Z (prob)	مرتبه خود همبستگی
-۲/۱۲۹ (۰/۰۳۳)	مرتبه اول
-۰/۹۸۳ (۰/۹۲۱)	مرتبه دوم

منبع: محاسبات تحقیق

## ۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از داده‌های ۴۴ کشور با توسعه انسانی بالا و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به بررسی اثر متغیرهای شاخص آزادسازی تجاری، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، اثربخشی دولت، کنترل فساد، رعایت حقوق مالکیت، نسبت جمعیت روستایی و تورم بر روی شاخص فقر انسانی پرداخته شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش داده‌های تابلویی پویا (روش GMM) می‌باشد. نتایج برآورد مدل پژوهش نشان می‌دهد که شاخص آزادسازی تجاری و رعایت حقوق مالکیت دارای تأثیر معنادار و



منفی بر روی شاخص فقر انسانی است، پس در نتیجه هر چقدر میزان موانع تجارت در یک کشور کم باشد و کشور به سمت جهانی شدن بیشتر حرکت کند انتظار بر این است که در آن کشور فقر انسانی پایین‌تری مشاهده شود. در این خصوص لازم است دولت سیاست برداشتن موانع تجارت آزاد و نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی و همچنین تعیین و تقویت مزیت‌های نسبی کشور در زمینه‌های مختلف را پیگیری نماید. اگرچه لازمه موفقیت در این زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای متناسب می‌باشد که یکی از این زیرساخت‌ها می‌تواند از طریق توجه بیشتر به رعایت حقوق مالکیت صورت پذیرد.

از متغیرهای بسیار مهمی که سبب کاهش فقر می‌شود و در این پژوهش نیز دارای رابطه معنادار و معکوس با فقر است، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی است که در این خصوص لازم است با اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی در جهت افزایش آن اقدام نمود. بر اساس نتایج، تورم دارای تأثیر معنادار و هم مثبت بر شاخص فقر انسانی است. به عبارتی، افزایش آن باعث بیشتر شدن فقر می‌شود. از اثرات آن می‌توان به کاهش سطح رفاه مردم و ایجاد عدم ثبات سیاسی در کشورها اشاره نمود، که از یکسو باعث فقیرتر شدن مردم و از سوی دیگر سبب بوجود آمدن مشکلات سیاسی، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی می‌شود. از این رو توصیه می‌شود که دولت‌ها برای کاهش فقر حداکثر تلاش خود را برای جلوگیری از افزایش تورم داشته باشند.

با توجه به تأثیر منفی شاخص‌های حاکمیتی و اثر بخشی دولت و کنترل فساد بر شاخص فقر انسانی، تلاش دولت‌ها در راستای کارآمدسازی مخارج تأمین اجتماعی و بهزیستی به منظور افزایش اثربخشی و همچنین کاهش رانت و شفافیت اطلاعات در جهت کاهش فقر ضروری می‌نماید. علاوه بر این نتایج مطالعه نشان می‌دهد شاخص نسبت جمعیت روستایی دارای رابطه معنادار و مثبت با فقر می‌باشد که در این خصوص ارتقای زیر ساخت‌های روستایی می‌تواند در جهت کاهش فقر انسانی عمل نماید.

## فهرست منابع

۱. استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۳). *جهانی شدن و مسائل آن*. ترجمه حسن گلریز، نشر نی.
۲. اکبریان، رضا، زارع حقیقی، نغمه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر بازبودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر: مورد ایران. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق)*، (۲)، ۵۰-۲۵.
۳. بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰). *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*. تهران، نشر نی.
۴. حسن زاده، علی، فوز مسلمیان، مسعود (۱۳۸۶). ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه. *پژوهشنامه اقتصادی*، سال دهم، ۱، ۲۵۴-۲۲۳.
۵. ساعی، احمد (۱۳۸۶). جهانی شدن و رابطه آن با فقر. *فصلنامه سیاست*، ۳۸ (۱)، ۷۱-۱۰۱.
۶. سهیلا، پروین (۱۳۸۹). تأثیر تغییرات قیمت بر فقر. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق)*، ۷، ۲، ۹۵-۱۱۷.
۷. شوشتریان، آشان (۱۳۸۲). *سیاستهای توسعه اجتماعی*. جلد سوم، فصل نهم.
۸. فرج زاده، زکریا و نجفی، بهاءالدین (۱۳۸۳). آثار کاهش یارانه مواد غذایی بر شاخص فقر. *فصلنامه بانک و کشاورزی*، ۳، ۱۹۰ - ۱۷۷.
۹. کفاشی، مجید، و فتحی، سروش (۱۳۸۵). جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شوشتر)*، ۱، ۲۳۲ - ۲۱۱.
۱۰. گرجی، ابراهیم، و برهانی پور، محمد (۱۳۸۷). اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران. *پژوهش های اقتصادی ایران*، ۳۴، ۱۲۴-۹۹.
۱۱. متفکرآزاد، محمد علی، و فشاری، مجید (۱۳۹۱). بررسی رابطه علی بین شاخص ادراک فساد اداری و شاخص فقر انسانی در کشورهای منطقه MENA. *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، سال هجدهم، ۲، ۳۸-۲۳.
۱۲. مروج خراسانی، مرضیه (۱۳۸۵). وضعیت تورم و رابطه آن با فقر در ایران. *دنیای اقتصاد*، ۱۱۹۳.

۱۳. موسوی، نعمت اله، بخشوده، محمد، محمدی، حمید، یزدانی، سعید، و طاهری، فرزانه (۱۳۸۵). آثار جهانی شدن بر شاخص های فقر. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، ۲۴، ۲۷۹-۲۵۹.

۱۴. مهرگان، نادر، و محسنی، الهه (۱۳۹۱). بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، (۴۶)، ۵۵ - ۲۹.

۱۵. ندیری، محمد، و محمدی، تیمور (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM. داده های تابلویی پویا، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال پنجم، (۳)، ۲۴-۱.

۱۶. هانس پیتر، مارتین، و شومن، هارلد (۱۳۸۱). *د/م جهانی شدن*. ترجمه حمید رضا شه‌میرزادی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران.

1. Anderson, M. (1999, August). Access to justice and legal process: making legal institutions responsive to poor people in LDCs. In *WDR 2000 Conference* (pp. 16-17).
2. Alan, W. L., McCulloch, N., & McKay, A. (2004). Trade liberalization and poverty: the evidence so far. *Journal of economic literature*, 42(1), 72-115.
3. Arellano, M, and Bond S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *Review of Economic Studies*, 97, 58-277.
4. Arndt, S. W. (1997). Globalisation and trade: A symposium. *The World Economy*, 20(5), 695-707.
5. Baltagi, B. H. (1995). *Econometric analysis of panel data*. Wiley, New York.
6. Bergh A. and Nilsson T. (2014). Is globalization reducing absolute poverty?. *World Development*, 62, 42-61.
7. Bhasin, K. V. (2005). Trade liberalization, remittances, poverty and income distributions of households in Ghana. *Remittances, microfinance and development: Building the links*, 1, 33-45.
8. Cord, L. (2002). *Poverty reduction strategy source book*. Chapter 15, Rural poverty. Washington D. C., World Bank.
9. Decaluwé, B., Patry, A., Savard, L., & Thorbecke, E. (1999). Poverty analysis within a general equilibrium framework. *African Economic Research Consortium*.
10. Esterly, W. & S. Fischer. (2000). Inflation and the poor forthcoming. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 1-31.

11. Greenaway, D., Morgan, W., & Wright, P. (2002). Trade liberalisation and growth in developing countries. *Journal of development economics*, 67(1), 229-244.
12. Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. S. J. (2002). Unit root tests in panel data: asymptotic and finite-sample properties. *Journal of econometrics*, 108(1), 1-24.
13. Matyas, L. and Sevestre, P. (1995). *The Econometrics of Panel Data*. Second revised edition, Kluwer Academic Publishers.
14. McCulloch, N., Winters, L. A., & Cirera, X. (2001). *Trade liberalization and poverty: A handbook*. London.
15. Mujeri, M. K. & Khandaker, B. H. (2002). Impact of macroeconomic Policy Reforms in Bangladesh: A general equilibrium framework for analysis. In *Micro Impacts of Macroeconomic and Adjustment Policies (MIMAP), Third Annual Meeting, November* (pp. 2-6)
16. Nawazish, A. (1998). Globalization, its impact on the economies of OIC countries and the role of the Private Sector. *Journal of Economic Cooperation among Islamic Countries*, 19(1), 153-169.
17. Rosenzweig, M. R. (2003). Openness and poverty reduction in the long and short run. *Prepared for the Conference on the "future of globalization"*, Yale University.
18. Salvatore, D. (2007). Growth, international inequalities and poverty in a globalizing world. *Journal of Policy Modeling*, 29: 635-641.
19. Sutherland, P.D. (2002). Why we should embrace globalization, *Finance Development*, 39, 3, 91-95.
20. Seshamani, V. (1999). The impact of market liberalization on food security in Zambia. *Food Policy*, 23(6), 539-551.
21. Singh A. (2015). Globalization and increasing inequality of poverty in United States over the past decade. In *27th Annual Meeting*. Sase.
22. World Bank. (2000). Global economic prospects and the developing countries. *Washington, DC, World Bank*.